



سیری در حقایق

نوشته‌ی

عالم ربّانی، حاج سید محمود شرفی

به روش

سید منصور شرفی

زودک



شرفی، سید محمود، ۱۲۹۱ - ۱۳۷۰.
سیری در حقایق / نوشته‌ی سیدمحمود شرفی؛ به
کوشش سیدمنصور شرفی.

تیراژ: ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۴۴۷ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۰-۰۱۱-۰۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: بلاه

شناسه افزوده: شناسه، سند، سر، گردآورنده

رده بندی کنگره: ۳۹۵: ۱۱ ش ۹ س BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۰۱

www.ketab.ir



سری در حقایق

مؤلف: سید محمود شرفی

به کوشش سید منصور شرفی

تاریخ نشر: ۱۳۸۵

چاپخانه: بهار

نوبت چاپ: اول - ۱۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۳۴۹-۱۵۱-۹۷۸

www.ketab.ir

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۵	مقدمه
۱۷	توحید
۲۵	مقام باشکوه حضرت زین‌العابدین (ع)
۳۳	رافت و عظمت حضرت پیامبر اکرم (ص)
۳۹	آمرزش الهی و شفاعت محمدی (ص)
۴۵	فضیلت قرآن مجید
۵۳	نماز
۵۹	نماز جمعه
۶۳	فضیلت نماز جماعت
۶۹	وضو
۷۲	شش رکن فرض وضو
۷۵	ارکان نماز
۸۱	روح نماز
۸۷	روزه
۹۱	فلسفه‌ی روزه
۹۷	شب قدر و روزه‌های سنت
۱۰۵	توحید و روزه
۱۱۱	روزه و مبارزه با فساد باطنی
۱۱۵	روزه و مقام توکل بر خداوند
۱۲۳	زکات
۱۳۱	زکات‌دهنده و زکات‌گیرنده
۱۴۱	حج

۱۵۱ جهاد
۱۶۱ عاق والدین و ذلت دوجاهانی آن
۱۶۹ ربا
۱۷۵ ستم
۱۸۱ ربا و تکبر
۱۹۱ نکوهش دنیای نامشروع
۱۹۹ فتنه‌ها و بدعت‌ها
۲۰۵ شراب و مواد مخدر
۲۱۱ امانت‌داری و حرمت یتیمان و شهادت ناحق
۲۱۷ دروغ و حرمت طلا برای مردان
۲۲۳ زیان‌های غیبت و سخن‌چینی
۲۲۹ زیان‌های خشم
۲۳۷ نکاح
۲۴۳ گرامی‌داشت جایگاه مهمان
۲۴۹ عفو و توبه
۲۵۵ آشفته‌گی مذهبی و بی‌توجهی به آداب مهمانان
۲۶۱ نعمت‌های بهشتی
۲۶۷ در وصف بهشت جاویدان
۲۷۳ اشراط ساعت
۲۸۱ صدقه
۲۸۵ منع‌گذاری در مسجد
۲۸۶ رعایت آداب مسجد از دیدگاه اسلام
۲۸۹ استغفار و بیم و رجا
۲۹۵ طول آرزوها و حرص
۳۰۳ پیامدهای خوردن حرام
۳۰۹ رفاقت
۳۱۵ بی‌توجهی به آداب و روش اسلامی
۳۱۹ دوزخیان
۳۲۷ خودبینی و تحقیر دیگران
۳۳۳ نزول جبریل پس از درگذشت پیامبر ﷺ

۳۳۹ رستاخیز
۳۴۳ بی توجهی به نماز جمعه
۳۴۷ پایان سال و مضرات شراب
۳۵۱ رذیلت‌های اخلاقی
۳۵۵ درجه‌های ایمان
۳۶۱ تزکیه‌ی نفس و فرارسیدن سال جدید
۳۶۷ قتل و کیفر قاتلان
۳۷۵ نداشتن آمادگی برای سفر ابدی
۳۸۱ بدعت‌ها
۳۸۵ بی توجهی به ترانم مذهبی
۳۸۹ بهشت و بهشتیان و نه‌ها و نیک‌بختی‌های بی‌شمار آنان
۳۹۵ احوال دوزخیان
۳۹۹ ستمگری کارهای نیک را از زمین بر
۴۰۳ محسنات انفاق در راه خدا
۴۰۹ مسلمان کیست؟
۴۱۵ سكرات مرگ و عذاب گور
۴۲۳ آفت‌های زبان و لزوم استقبال از ماه مبارک رمضان
۴۲۹ مفاسد تندخویی و محاسن خوش‌خویی
۴۳۳ سخاوت و جود
۴۴۳ توبه و ندامت و بیم و رجاء

زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. و سرانجام کارها به خدا برمی‌گردد.»

مؤمنان صادق و صالحان راستین کسانی هستند، که نماز می‌خوانند؛ زکات می‌دهند؛ و امر به معروف و ناهی از منکرند. در پیامی دیگر، آفریدگار نیکی‌ها چه باشکوه از صالحان درگاه خود یاد کرده‌است: آن صالحان وارسته‌ای که در دنیا به آفریدگار خود، عالم غیب و جهان پس از مرگ ایمان می‌آورند؛ و بندگان خدا را به انجام کردار نیک فرا می‌خوانند و از ارتکاب کار زشت باز می‌دارند و با رفتارِ خداپسندانه از یکدیگر پیشی می‌گیرند. به این عزیزان نیک‌بخت وعده داده‌است، که در در دایره‌ی صالحان هستند:

﴿يَوْمَ رَدَّ اللَّهُ الْأَجْرَ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ «به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و مردمان را به کار نیک فرا می‌خوانند و از کار زشت باز می‌دارند و سرانجام کارهای شایسته و بایسته از یکدیگر پیشی می‌گیرند. و آنان از زمره‌ی صالحان‌اند.»

پند پدرانه‌ی حضرت اتمام را، به فرزندش آفریدگار مهربان پسندید و تأیید نمود؛ و سفارش ره‌گشایش را به منظور ترغیب امت محمدی ﷺ برای به اجرا گذاشتن رسالتِ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم‌اش ثبت فرمود:

﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ «ای پسر عزیزم، نماز بخوان! و به کار نیک دستور ده! و از کار بد نهی کن!»

اما افزای از اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در نظر بزرگ‌ترین امر به معروف و ناهی از منکر، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ:

ابوسعید خدری رضی الله عنه گفته‌است: رسول اکرم ﷺ فرمودند:

(مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أضعف الإيمان.) «هرگاه هر کدام‌تان کار بدی را دید، باید آن را به دست خویش تغییر دهید. اگر نتوانست، به زبان خود از آن منع کند؛ و اگر نتوانست، به دل خود از آن بد ببرد؛ و این ضعیف‌ترین مرحله‌ی ایمان است.»

در واقع رسالتِ خطیر هر مؤمن با این سفارش برجسته آشکار می‌شود؛ یعنی اگر مسلمانی بخواهد از ایمان‌داران ضعیف نباشد، باید خود را در حلقه‌ی آمران به معروف و ناهیان از منکر بگذارد.

۱. حج: ۴۱

۲. آل‌عمران: ۱۱۴

۳. لقمان: ۱۷

از منظر خداوند متعال یکی از شروط اجابت دعا، امر به معروف و نهی از منکر است. این رهنمود در کلام قدسی رسول اکرم ﷺ چنین آمده است:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا فَلَا يُسْتَجَابَ لَكُمْ.)
«ای مردمان، امر به معروف و نهی از منکر به جای آورید! پیش از آن که دعا کنید و پذیرفته نگردد.»^۱

بر پایه‌ی این فرموده‌ی قدسی، یکی از شرط‌های پذیرفته شدن دعا، امر به نیکی و نهی از بدی است که اگر چنین نشود، دعای نیکوکارترین بندگان خدا نیز پذیرفته نمی‌گردد. مفهوم درست این کلام قدسی در پیام جاودانی دیگر پیامبر خدا ﷺ بهتر نمایان است:

حضرت عائشه رضی الله عنها گفته است: رسول الله ﷺ فرمود:

(عَذَّبَ أُمَّلُ قَوْمٍ فِيهَا ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ أَلْفًا عَمَلُهُمْ كَعَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ.) «به اهل شهری عذاب داده شد. در آن هجده هزار انسان زندگی می‌کردند، که کردارشان همانند کردار پیامبران بود.»

عرض کردند: «یا رسول الله ﷺ به چه علت؟» حضرت فرمود:

(لَمْ يَقْضُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِرَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.) «برای خدای متعال در خشم نمی‌شدند؛ و امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کردند.»^۲

اگر وضع انسان‌هایی که کردارشان مانع از پیامبران بوده، چنین باشد - که به سبب امر نبودن به معروف و ناهی نبودن از منکر نتوانستند از رسول خدا ﷺ بگذارند جلوگیری نمایند - پس حال دیگران چون خواهد بود؟! اعضای يك جامعه‌ی مؤمن با مسدود به فرموده‌ی امام الانبیا، می‌بایست خود را در دایره‌ی امران به معروف و ناهیان از منکر بگذارند؛ زیرا انجام چنین کاری، یعنی محفوظ ماندن آن جامعه از نزول عذاب الهی.

ابودر غفاری روایتی را از یار غار پیامبر خدا ﷺ، نقل نموده است که حضرت ابوبکر رضی الله عنه عرض کرد: «ای پیامبر خدا! آیا جهادی به جز جنگ با مشرکان وجود دارد؟» پیامبر گرامی ﷺ فرمود: «بله.» سپس فرمود:

(يَا أَبَا بَكْرٍ! إِنَّ لِلَّهِ مُجَاهِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنَ الشَّهَدَاءِ هُمْ أَحْيَاءُ يُرْمُونَ بِمِثْقَلِ عَلِيٍّ عَلَى الْأَرْضِ يُبَاهِي اللَّهُ بِهِمْ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ وَ تَزِينُ لَهُمُ الْجَنَّةَ.) «ای ابوبکر! خداوند روی زمین، مجاهدانی دارد فاضل‌تر از شهیدان. آنان زندگی مرزوقی دارند. بر زمین راه می‌روند؛ و حق تعالی نزد فرشتگان به [حضور] آنان مباحثات می‌کند؛ و بهشت برایشان آراسته می‌شود.»

ابوبکر رضی الله عنه پرسید: «ای پیامبر خدا، آنان چه کسانی هستند؟» حضرت فرمود:

«هُمُ الْأَمْزُونُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْمُجِيبُونَ فِي اللَّهِ وَ الْمُنِيبُونَ فِي اللَّهِ.» «آنان آمران به معروف و بازدارندگان از منکرند؛ و دوست‌داران برای خدای تعالی و دشمن‌دارندگان برای هم او.»
 با همین نگاه کوتاه به رهنمودهای پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره‌ی وجود امر به معروف و نهی از منکر، درمی‌یابیم که هر مسلمان، مکلف است با تأسی به این فرموده‌ها از عظمت و اهمیت آن آگاه گردد.

کتاب پیش رو، از پذیرش ندای آسمانی حضرت حق و باور به فرموده‌های امام الانبیا، حضرت ختمی مرتبت ﷺ خبر می‌دهد، که مصنف و مؤلف گران‌قدر آن، عالم ربّانی حاج سید محمود شرفی رحمته‌الله، والد ماجدم، با قرار گرفتن در دایره‌ی آمران به معروف و ناهیان از منکر، با علم و عمل به منظور - رشنوی خالق بی‌مانندش - لَوْجَه‌الله - سالیان متمادی پشت تربیون مقدّس نماز جمعه، خاشع و تواضع به سمع مردم مؤمن و فهیم منطقه رسانیده، و در کمال زهد و وَرَع مسلمانان سرفراز دیار تالش، ایادی از فرمان‌های قرآنی و رهروی در شاهراه سنت محمدی ﷺ دعوت کرده‌است. ایشان با دانش راسخ، نه تنها از مقام واعظ متعظ و عظمت و عظم و پند آگاه بود، بلکه از منظر خداوند که چندین هژدا، فرموده: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^۱ «آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید و خود را از ابراموش می‌کنید.»

نیز خود را به اجرای وعظ و شمارش مذبی پای‌بند می‌داشت؛ تاجایی که از هیچ انتقاد و نقدی بی‌مناک نبود و همواره حضور در مجلس واعظان و خط و وارغان صالح عامل را نیک‌بختی بزرگ می‌دانست؛ و خود به‌خوبی آگاه بود که روزی کتاب از چهره‌ی نهانی‌های فکری و انگیزه‌های عملی و هدف‌های مدعیان - چه بخوانند، چه نه - بر داشته خواهد شد؛ و تنها کسانی روسفید خواهند ماند، که غلّ و غشی در نیت‌شان نباشد. مصنف اعلیٰ الله مقامه در گذر زندگی خود فرصت چاپ و نشر این اثر را نیافت؛ پس بنا بر احساس وظیفه تصمیم گرفتیم این گران‌قدر را با کمال ادب به محضر جامعه‌ی اسلامی پیش‌کش نمایم. به‌همین منظور، ضمن رعایت اصالت، به دوباره‌نویسی آن پرداختیم. هنگام بررسی متون کتاب دریافتیم آیه‌ها و احادیث و اخباری که در بحث‌های گوناگون آمده، یا فقط ترجمه است یا نشانی لازم را برای مستندسازی نشده‌اند. پس ضمن اجازه از روح بلند نویسند، کوشیدیم آیه‌های قرآنی متن را به نام سوره و شماره‌ی آیه مقید نمایم؛ هم‌چنین مأخذ روایت‌ها و احادیث و دیگر عبارت‌های عربی را در کتاب‌های معتبر احادیث بیابم و در زیرنویس هر صفحه بدان اشاره نمایم، تا همگان از آن بهره ببرند.

۱. احیاء علوم الدین غزالی

۲. بقره: ۴۴

روش نگارش کتاب

شادروان پدرم رحمه‌الله در مبحث‌های گوناگون کتاب، نخست با دلایل قرآنی اهمیت موضوع را بیان نموده. سپس از دیدگاه سنت و احادیث معتبر منظر دیگری را از موضوع بحث در اختیار خوانندگان گذاشته‌است. آن‌گاه با قلمی ساده و روان، بندگان پروردگار و برادران و خواهران ایمانی خود را به انجام رفتار و کردار خداپسندانه و توجه به فضایل و دوری از رذایل دعوت نموده‌است. ایشان اعتقاد داشت: «وقتی با ادراک بشری در دریای فکر و اندیشه غوطه‌ور شویم و عظمت قرآن خداوند مهربان را مشاهده نمایم، اعتراف خواهیم کرد تا چه حد در عبادت و اطاعت ربّ جلیل غافل ایم.»

هم‌چنین ایشان با نگاهی به شکوه قرآن فرموده‌است: «قرآن همه‌ی خوشبختی‌ها، راه‌رهایی و نجات انسان، حکمت‌ها و دستورات مذهبی را دربردارد. بزرگ‌ترین مایه‌ی رحمت و گنجینه‌ی عزّت و آمرزش، قرآن است. اما شوربختانه ما آن را بر تاقچه‌های نسیان نهاده‌ایم. از فرط غفلت و بی‌توجهی به تلاوت و زیارت قرآن و تفکر و تدبیر و عمل به دستورات کافی آن، گردوغبار فراموشی بر سر صفحه‌های مبارک آن پدید آمده‌است.»

با بیانی رسا، این کتاب جاسه‌ی خوشخت اسلام و پیروان مشتاق پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آرزومندان شفاعت عظمای خیرالانام و مشتاقان یدالله به التّمام را دعوت می‌کند، تا «همیشه مهر و محبت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در صدف قلب خود، چون در آئینه‌ها به‌خوبی و پاکی نگه دارند.»

این مرد ربّانی به نماز جمعه و جماعت معتقد بود؛ و می‌گفت باید بدان با دیده‌ی پژوهشی نگریم. وی گرد هم آمدن و بزرگ داشتن این روضای مسموم اسلامی را در مسجدها باعث استواری ستون‌های دین و مذهب می‌دانست. گاهی توبه با نماز حقیقی را مطرح می‌نمود و از نمازهای بی‌خشوع و پرغفلت، به خداوند جواد پناه می‌برد؛ و از درگاه این مَنان هدایت و آشنایی را با نماز حقیقی می‌طلبید. با کمال تواضع و صداقت از سنگ‌دوئی سر برید، که در ماه مبارک رمضان نیز دل‌شان نرم نمی‌گردد و از کردار زشت دست برنمی‌دارند و روی انسان را به درگاه غفاری نمی‌آورند. پرسش وی چنین بود: «پس برای کجا و در چه وقت روی به درگاه الهی آورند؟»

دعای تهی‌دستان و پریشان‌دلان را غنیمت می‌دانست؛ به‌ویژه زمانی که می‌دانست با دادن زکات و صدقه، قلب شکسته‌شان شاد می‌شود. وی شادی دل دردمندان را گنجی گران‌بها و پایان‌ناپذیر می‌خواند. از منظری بوسیدن حجرالاسود را صفا بخشیدن به لبان مشتاق و آشامیدن آب زمزم را راه درمان قلب‌های رنجور و دیدار کعبه‌ی عزیز را روشنی‌دیدگان «رمد رسیده» می‌نامید. از سویی دیگر، معتقد بود: «آنان که مسلمان راستین، و با دل و جان پیرو دین مبین اسلام‌اند، باید خود را برای جان‌بازی آماده نمایند و اختلاف‌های مرامی و مسلکی و مقامی و محلی را کنار بگذارند و با

ایمان قوی برای حفظ و عظمت اسلام در راه (لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ) جهاد و مبارزه کنند؛ و ابقای میهن و استقلال کشور اسلامی را بر بقای جان و مال خود ترجیح دهند.»

خاضعانه در جایگاه آموزگاری دل‌سوز می‌فرمود: «قلب‌های ما - که مسند و منبع اسلام و تصدیق خداوند است - اگر آغشته به ریا و تزویر و نفاق باشد، از خواندن نماز و گرفتن روزه و رفتن به مسجد چه سود؟! باید در قلب‌های پاک خود - که جایگاه ایمان و مظهر انوار و الطاف حضرت منان است - کبر و غرور و بخل و حسد و ریا و تزویر جای ندهیم، که نور ایمان را با این صفات رذیله سازش نیست.»

با خطابی تأمل‌برانگیز می‌فرمود: «ای بنده‌ی فقیر، کبر و غرور تو از چیست؟! با ثروت بی‌بقا و عمر بی‌بیت چه می‌نازی؟! و با مقام بی‌وفا بر زیردستانِ بلادیده به چه می‌بالی؟! دم از خودپسندی و تفرعن و تکبر مزن! که همه با هم برادر و اولاد یک پدر و مادریم.»

این مرد بزرگ پر درگاه کریم را چنین می‌خواند: «عشق پاک و محبت سرشارت را در قلب و جان ما جاری حاکم فرما! آن چنان که لوث جرم‌ها و خطاها و آثار دوستی اغیار را از دل‌های ما بزداید و براند. محبت که با خوف و رجا همراه باشد: خوفی که مانع و حایل عصیان‌ت گردد؛ و رجایی که بر لذت عبودیت و اطاعت و بندگی ما بیفزاید و ما را در عبادت و جلب خرسندی تو خسته و کسل ننماید...»

در پایان برای این توفیق بزرگ خداوند بر زبان به این کم‌ترین بنده‌اش عنایت کرد، تا این کتاب را به مسلمانان منطقه و جامعه‌ی اسلامی پیش‌کش نمایم - به درگاه باری تعالی با زبانی قاصر سپاس می‌گویم و عاجزانه عرض می‌کنم:

«اللَّهُمَّ أَحْسِنُ نَا وَوَالِدِنَا تَحْتَ لِيَاءِ سَيِّدِ الْكَبِيرِ وَ أَلْحِقْ بِرَفَضْلِكَ وَجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ آمِينَ. آخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

پره‌سر رضا شهر سید منصور شرفی

فروردین ۱۳۸۵

حمد و ثنا و به دیت، خدای را سزاست که همه‌ی موجودات بر ذات واجب‌الوجودش گواه‌اند؛ به‌ویژه شالوده‌ی رجه بشر - چه کمی، چه کیفی - به مفاد «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»، بالاترین دلیل است بر سستی پروردگار. سلام و صلوات بر قاطبه‌ی سفیران کرام، پیامبران عظام بارگاه احدیتش؛ به‌ویژه بر بهترین و آخرین آن صدرنشینان اریکه‌ی رسالت و غواصان بحار توحید و معرفت، که با رسالت پارسین جرم‌ترین ادیان (دین مقدس اسلام) بر کافه‌ی بشریت، ناسخ همه‌ی دین‌ها و بنیان‌کن اختلاف‌ها، جهنم گردید. نور منورس سرمد، مذهب مقدسش ابد، نام مبارکش محمد ﷺ، موجب تحریر و تیرید مسلمات آتی است. یکی از دوستانم دفتر به‌دست نزد من آمد و با پافشاری خواهش نمود، آن‌چه از مرزهای سال‌های گذشته - که روزهای جمعه در مسجد جامع به عرض مسلمانان رسانیده‌ام - در دفترش ثبت نمایم. لختی به اندیشه فرو رفتم. افکار متضادی به مخیله‌ام هجوم آوردند. چاره را آن دیدم که پاسخ آی بگویم، که رد درخواست دوست را صلاح ندانستم. اما آن‌چه مرا به فکر فرو برد، از چه بود؟ با اندیشیدم: «من کجا! و موعظه کجا! با کدام شایستگی؟! با روح و جان و زبانی پُر گناه؟! آن - مردمان گفتم و خود به آن عمل نکرده‌ام؟! وای! چه شرمندگی و شوربختی بزرگ و جبران‌ناپذیری!»

در روایت‌ها آمده: خداوند خطاب به حضرت عیسی علیه السلام فرموده است:

(يَا عِيسَى عِظْ نَفْسَكَ فَإِنَّ اتَّعَطَّتْ فَعِظِ النَّاسَ وَالْأَفَاسَتْحِي مَتَى.)^۱

حال، این سخن قیاس شود با موعظه گفتن جاهل و غافل و مجرمی چون من؛ پناه می‌برم به خدا! «رُطِبَ خورده منع رُطِب چون کند؟!» اگر واعظ خطاکاری چون من، خود پای‌بند وعظ و شعائر مذهبی نباشد، آن‌گاه در مسجد و منبر و مجمع، بر نارك الصلاة و مانع الزکات و شارب الخمر و قمارباز و رباخوار و زناکار و مانند آن حمله برد، آیا مسجد و منبر و روح اسلام بر وی لعنت نمی‌فرستند؟ آیا گفته‌هایش بر مستمعان اثر می‌گذارد؟ حاشا! هرگز! مقام شامخ واعظ متعظ و وعظ

۱. ای عیسی، به نفس خود بند بده! اگر پذیرفت، آن‌گاه مردمان را موعظه و بند بنما! وگرنه از من شرم کن!

و پند، بی اندازه مهّم است؛ و نقص و عیب و اعظان عصر و زمان - که خود از بدترین شان هستم - بسیار بسیار دردناک و خطرناک و گمراه کننده است! نعوذ بالله!

آن واعظان مُتَعَطِّ و اراع و آن سامعانِ صالح عامل در جهانِ مشوّشِ امروزی، واحسرتا که رخت بر بسته اند! و وجود مسعودشان کیمیا و نادر شده است. هستند؛ اما بسیار اندک! کم تر از اندک! مهجور و رنجور؛ مغموم و محزون.

آری، این خیالات هول انگیز بود که به اندیشه ام فرو برد. با وجود این، چرا به دوستم پاسخ آری گفتم؟! زیرا ناگهان حدیث شریف به یادم آمد: (مَا لَا يُذْرِكُ كُلَّهُ لَا يُشْرِكُ كُلَّهُ).

پس در میان اوراق پراکنده ام گشتم و آن چه دیدم، گرد آوردم و در این دفتر ثبت نمودم؛ و نام کتاب را «سیری در حقایق» نهادم.

در سران دانشمند و خوانندگان ارجمند عاجزانه استدعا دارم بر من عاصی رحم آورند؛ و ضمن چشم پوشی از معایب املایی و انشایی و اصلاح آن، از درگاه شکوه مند بارگاه الهی و عفو و رحمت لایتناه غفّار بخشاینده برایم تمتای آموزش و بخشایش فرمایند، تا گفتار بی کردارم را با گذشت پروردگاری اش به عذاب و عتابم امر نفرماید؛ و با عفو و کرامت، مغفور و مسرورم فرماید، به منّه و کرمه و جوده. بهترین شان عارف وارسته:

کی ام من؟ از وجود من چه خیزد؟
 از این بسود و نبود من چه خیزد؟
 اگر چه بس ستم بر خویش کردم
 قباحات های از بس بیش کردم
 چو بر خود بینم از بس شرمساری
 به دوزخ خوش ترم از رستگاری
 به فضل و لطف تو امیدوارم
 تسو خسود فرموده ای آمرزگارم
 بیامرز و مپرس از کار خامم
 در سوای نیرزد انتقامم

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ قَرَأَ الْقَاتِحَةَ الشَّرِيفَةَ لِي وَاسْتَغْفِرْ لِي وَبِغِيْبِ الْمُسْلِمِينَ.»

به تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۵ خورشیدی، برابر با ۲۱ شوال ۱۳۹۴

المدنّب الحقیق سید محمود شرفی